

آفریقا، هنر در دوران نوسنگی



ت-۲



ت-۱

مقدمه:

آفریقا قاره‌ای است که می‌توان سیر تحول و توسعه‌ی تدریجی بشر را در یک روز مستمر و غیرگسیخته مشاهده کرد. نشانه‌های «اوستر الوپتیک»ها، «پیتکانتروپ‌ها»، «نئاندرتال‌ها» و «هوموساپین‌ها» از دیر زمان تا دوران نوسنگی پا به عرصه گذاشته‌اند. نقوش و کنده‌کاری‌های موجود بر صخره‌ها در کوهستان‌های اطلس، آفریقای جنوبی و صحرا شواهد مهمی را ارائه می‌دهند.

آثار یافت شده و قدمت آنها و تحول فرهنگی اقوام و ملل آفریقایی امروزه بر ما معلوم کرده است که در مناطق صحرا و ساحل، تاریخ دوران نوسنگی به زمانی قدیمی‌تر مربوط می‌شود. آثار کشف شده در «تاسیلی ن آژیر» و «تادرات آکاکس» در مرز الجزایر و لیبی شواهد متقنی بر این امر هستند. این کشفیات بیانگر آن است که

دوران نوسنگی در «تاسیلی ن آژیر» و منطقه‌ی صحرای چاد ظاهراً نسبت به دوران نوسنگی در مغرب قدیمی‌تر و با دوران نوسنگی در اروپای جنوبی همزمان بوده است.

هنر آفریقا در ارتباط با پیش از تاریخ را به خصوص می‌توان در فلات‌های مرتفع و مناطق کوهستانی باز یافت. بی‌تردید صحرا و آفریقای جنوبی دو مرکز مهم و اساسی هنر پیش از تاریخ محسوب می‌شوند. در مناطقی در حد فاصل کوه‌های اطلس و جنگل‌های گرمسیری از یک طرف و دریای سرخ و اقیانوس اطلس نقاط باستانی متعددی پیدا شده‌اند که هزاران پیکر و نقوش کنده‌کاری را در خود جای داده‌اند. مکان‌هایی که دانشمندان متعددی را به خود جذب کرده، تا به مطالعه و بررسی انسان‌های پیش از تاریخ در جنوب «اوران» و «تاسیلی ن» در الجزایر، جنوب مراکش، فزان در

لیبی، تندر در نیجریه، نواحی کوهستانی حبشه، موزامدس در آنگولا پیردازند. از عمده مکان‌های دیگر می‌توان به منطقه‌ی مخروطی شکل جنوبی افریقا بین اقیانوس هند و اطلس شامل بوتسوانا، نامیبیا، لسوتو، مالاوی و... اشاره کرد.

در ارتباط با هنر افریقا نخستین پرسش پیش رو این است که چرا هنر افریقایی پیش از تاریخ در جلگه‌های وسیع و بیابان خشک به شکوفایی رسیده است. در پاسخ شاید بتوان این گونه گفت که مناطق فوق در گذشته این چنین نبوده‌اند و وقتی هم به این وضعیت درآمده‌اند همراه با خشکی هوا آنها را به گونه‌ای به موزه‌های طبیعی تبدیل کرده است. اما درباره‌ی اینکه چرا شکوفایی در حاشیه‌ی دره‌ها رخ داده است، می‌توان گفت که این نقاط به لحاظ سکونت،

روی صخره‌ها منقوش شده‌اند. (تصویر ۱)

تصویر اسب در حدود یک هزار و پانصد سال پیش از میلاد در صخره‌ها نقش شده‌اند. عدم وجود تصویر اسب آبی در این دوره به معنای خشک شدن آب رودخانه‌ها بوده است. هم‌چنین با پیروزی سپاهیان ایرانی در پانصد سال پیش از میلاد شتر وارد مصر شد و در شروع دوره‌ی مسیحیت تصویر آن بر روی صخره‌ها نقش گردید. نقوش کنده‌کاری اساساً تاریخی پیش‌تر از تاریخ نقاشی‌ها دارد. این نقوش با سنگی نوک تیز و یک چکش سنگی بر صخره‌ی سنگی نرم و سنگ چخماق و خارا حک شده‌اند. بر روی نقوش یافت شده در باردایی (چاد) تصویر یک فیل با یک خط ساده و نازک نقش شده در حالی که در مناطقی همچون «گونوا» با یک خط ضخیم و عمیق بیشتر بر روی صخره‌ها دیده می‌شود. نیمرخ خط به شکل V



ت-۴



ت-۳

یا U با عمق یک سانتی‌متر دیده می‌شود. شکاف‌ها با استفاده از شن مرطوب به عنوان یک صیقل‌دهنده و هم‌چنین یک تبر کوچک سنگی به وجود آمده‌اند. به نظر می‌رسد صیقل دادن برخی از سطوح داخلی برای ارائه کردن سایه‌ی رنگ پوست و پشم حیوانات یا اشیایی که توسط آنها حمل می‌شد، استفاده می‌شده است. تکنیک به کار گرفته شده قبل از هر چیز به حجاری‌ها و نقوش برجسته‌ی دوران فراغنه‌ی مصر اشاره دارد. برای کنده‌کاری نقش‌ها قطعه سنگ طبیعی بسیار متناسبی به کار رفته است از جمله در ترانسوال غربی که بر روی یک قطعه‌ی مستطیل شکل نقش زرافه منطبق با شکل سنگ کنده کاری شده است. در لئوفوتین نیز نقش یک کرگدن به گونه‌ای حک شده که سطح زیر و بخش برآمده‌ی زاویه در آن نمونه‌ای دقیق از پوشش بدن حیوان را ارائه می‌دهد.

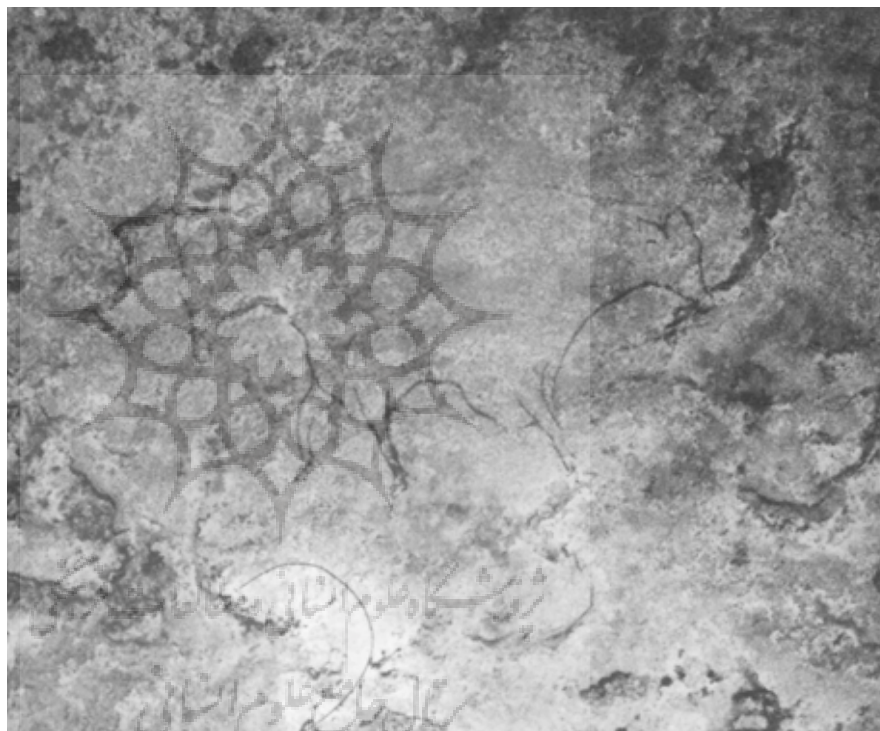
تأمین غذا و جنبه‌ی حفاظتی جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند.

به احتمال بسیار آغاز هنر صخره‌ای افریقا را می‌توان از دوران نوسنگی دانست. می‌دانیم که دوران‌های بزرگ هنر صخره‌ای اغلب با نام یک حیوان مشخص شده است که می‌توان نشانه و بیانگر گونه‌شناسی باشد. به همین دلیل چهار دوره‌ی بزرگ با نام‌های گوزن، گاو، اسب و شتر مشخص شده‌اند. در این میان گوزن قدیمی افریقا شبیه به گونه‌ای گاو میش بوده که احتمالاً در دوره‌ی چهارم می‌زیسته است. شکل این حیوان از حدود هفت هزار سال پیش یعنی از شروع پیدایش هنر صخره‌ای تا حدود چهار هزار سال پیش برصخره‌ها نقش گردیده است. فیل و کرگدن نیز به نظر می‌رسد مربوط به این دوره باشند. تصویر گاو و در دو حالت با شاخ کوتاه ضخیم و شاخ بربطی مربوط به چهار هزار سال پیش از میلاد بر

به توصیف خود زبان رمزی همت گماشت. برای توصیف نقاشی‌های صخره‌ای افریقا و هنر افریقایی پیش از تاریخ ضروری است که ارزش‌های بومی مورد توجه قرار گیرد.

این اشکال هنری نشانگر مجموعه‌ای از نمادهایی است که یک زبان را شکل می‌دهند و قطعاً برای پی بردن به آن به کلیدی نیاز داریم. در تصویر ۲ شب‌زنی دیده می‌شود که کاسه‌ای در دست گرفته است و به گونه‌ای بر سرعت حرکت دلالت می‌کند. اگر به تصویر ۳ نگاه کنید خطوط اصلی بدن کرگدن با خطوط ضخیم مشخص شده است. در تصویر ۴ کرگدنی دیده می‌شود که نقش آن در موریتانی واقع است. در این نقاشی‌ها رنگ روی صخره چسبانده شده و به نظر می‌رسد به دوران بعد از کنده‌کاری‌ها متعلق باشد. با اینکه تفاوت‌هایی در شیوه‌ی نقاشی وجود دارد، اما بی‌تردید هر تصویر بیان‌کننده‌ی اطلاعات هنرمند از حیوان و میزان دقت و مهارت اوست.

پرسی پیش می‌آید و آن اینکه هنر افریقایی پیش از تاریخ را چگونه می‌توان شکل تصویری نخستین کتاب تاریخ افریقا دانست. در پاسخ باید گفت که این هنر دربارهی نخستین جوامع که در قاره‌ی افریقا می‌زیستند، از جمله محیط زیست بوم‌شناسی آنها، فیلمی مستند شکل می‌دهد. اسب آبی را می‌توان شاخص درست زیست بوم‌شناسی محسوب کرد. همان گونه که فیل شاخص واقعی زیست بوم‌شناسی است چرا که به گیاه فراوان نیاز دارد. پس صحرا در دوره‌ی نقاشی‌های پیش از تاریخ منطقه‌ای پر از گیاه بوده است. به تدریج این زیست بوم‌شناسی جای



خود را به منطقه‌ی زیستی مشخصی در سودان و ساحل داده است. در افریقای جنوبی سبک شمالی دربرگیرنده‌ی تصاویر درختان است. نقوش کنده‌کاری شده از انواع جانوران بومی و صحنه‌های شکار نشانگر برخورد مداوم انسان و حیوان در دوران‌های نخستین می‌باشد. وجود صحنه‌های شکار از نیل تا اقیانوس اطلس، به یک تمدن واقعی اشاره می‌کند. مطابق یک الگوی فرهنگی در طی ده هزار سال تا دوره‌های پیشرفته‌تر تاریخی - تقریباً در همه جای افریقا دام‌ها همراه با نمادهای شکارچیان هستند. در تصاویر بر جای مانده تحول ایجاد شده در رابطه‌ی انسان و حیوان نشان داده می‌شود. مردی کمان‌دار که حیوانی را با طناب می‌کشد، شکار قوچ کوهی به کمک سگ شکاری، نقش گوسفند و بز و حتی قایق و

توجه به کنده‌کاری‌های روی برخی از سنگ‌ها ما را به این اندیشه می‌کشاند که هنرمندان قبل از نقاشی، به کنده‌کاری نقوش می‌پرداختند. در تعدادی از نقاط باستانی «تاسیلی» تصاویر نقاشی شده حدود چهار متر بالاتر از زمین قرار گرفته‌اند که نشانگر دور از دسترس نگاه داشتن انسان است. نقاشی‌ها از یک یا چند رنگ تشکیل شده‌اند. در میان این رنگ‌ها رنگ قرمز و قهوه‌ای از رنگ‌های عمده به شمار می‌روند. این دو رنگ از گل اخرا که از اکسید آهن به دست می‌آید، هم‌چنین رنگ سفید از خاک چینی یا فضولات حیوانات یا شیرهی بعضی از گیاهان، رنگ سیاه از زغال یا دوده و چربی سوخته حاصل شده است. رنگ زرد و سبز نیز به این مجموعه اضافه می‌شود. در واقع این عناصر پس از کوبیده شدن به گرد نرمی تبدیل و سپس با شیر یا چربی آب یا سفیده‌ی تخم‌مرغ

یا عسل مخلوط می‌شد. رنگ زدن با انگشتان و توسط پر پرنندگان یا پشم حیوانات و گاهی هم مایع رنگی با دهان که به صورت غبار روی تصاویر پخش می‌شد، انجام می‌گرفت. در واقع همین شیوه‌ی آخر است که باعث شده طرح‌هایی از انگشتان دست بشر بر روی دیواره‌های صخره‌ها ایجاد شود که می‌تواند به منزله‌ی نوعی امضا باشد.

تصاویر صخره‌ای را عمدتاً نقش بر روی سنگ نامیده‌اند، اما باید دانست که این هنر بیش از هر هنر دیگری یک زبان رمزی است و واسطی میان خیال و واقعیت است. نمادی است که برای فهم و شناخت آن نیازمند آگاهی یافتن از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه است که آن را ایجاد کرده است. بنابراین قبل از هر چیز باید

افرادی که به طرف زمین خم شده‌اند و با وسیله‌ی خمیده شکل کار می‌کنند شبیه به داس‌هایی که در نقوش برجسته‌ی فراغنه‌ی مصر مربوط به برداشت محصول دیده می‌شوند، از جمله این تصاویر است. تعدد این ابزار هنری منقوش بر صخره‌ها در بخش وسیعی از افریقا نشانگر تصویری قابل توجه از تراکم جمعیت در این نقاط است.

در نقاشی دیواری یکی از پناهگاه‌های «اپهرن» که از بهترین نمونه‌های نقاشی پیش از تاریخ است، تعدادی گاو دیده می‌شود که از دو طرف آنها مشک‌های آب آویزان است و زنانی که به زینت‌های زیبایی آرایش شده‌اند، بر آنها سوارند. تصاویری از گاوهای دو سر یا گاوهایی با وضعیت دو گانه‌ی نر و ماده و با یک سر دیده می‌شوند. در تصویر ۵ در اودماتاندوس تصویر گاوی دیده می‌شود که سر ندارد ولی قسمت انتهایی بدن گاو دو تا است. در بوتسوانا تصویر حیوانی نقش بسته شده که می‌تواند منجر به باریدن باران شود. این حیوان سرش به طنابی بسته شده و عده‌ای سر دیگر طناب را گرفته‌اند و آن را در همه جای کشور می‌گردانند.

اما تصاویر دیگری نیز وجود دارند که هنوز هم برای ما روشن نشده است و تنها می‌توان با رجوع به ارزش‌های فرهنگی و مذهبی افریقا به رمز آنها پی برد، برای مثال در «تین تازاریفت» و در صحنه‌ای که به نظر می‌آید گاوان پاهای قطع شده و کوتاهی دارند، چمباتمه زده‌اند ولی احمدهامپاته با شناخت و درک رمز این صحنه مشخص شد که گاوها در داخل آب هستند و این بیانگر مراسمی بود برای سپاس از منشاء آبی گاوان.

اما در مورد ویژگی‌های فرهنگی افریقا و تأثیرات خارجی ضروری است به این نکته اشاره شود که هنر صخره‌ای فرانسه با قدمتی چهل هزار ساله و مربوط به دوران پارینه سنگی مقدم بر هنر پیش از تاریخ افریقا است. در مقابل دوران نوسنگی صحرای افریقا نیز مقدم بر دوران نوسنگی اروپا است. بنابراین این باور که هنرمندان افریقایی از شمال الهام گرفته‌اند و از یک هنر اروپایی - افریقایی با کانونی اروپایی، نمی‌تواند مطرح باشد و نمی‌توان واقعیتی را بر آن متصور شد. جدا از یک فاصله‌ی پانزده هزار ساله میان این دو نهضت هنری، باید قبول کرد که اسپانیایی شرقی به عنوان رابط یک تأثیر احتمالی با هنر اصلی اوران جنوبی تاسیلی و فزان ارتباطی ندارد. در واقع منشأ شکوفایی هنر پیش از تاریخ کوه‌های اطلس و کانون اصلی آن افریقا است.

پرسش مطرح دیگر این است که آیا هنر صخره‌ای از شرق یعنی دره‌ی نیل به افریقا وارد شده است. به نظر می‌رسد رشد هنری در بخشی از دره‌ی نیل در مقایسه با رشد هنری صحرا و سودان در زمانی دورتر واقع شده است. چنانچه تصاویر کنده‌کاری شده از گاو در صحرای افریقا که در میان دو شاخ آنها صفحه‌های گردی وجود دارد در مقایسه با مجسمه‌هایی که از گاو «هاتور» رب‌النوع مصری ساخته شده، بسیار قدیمی‌تر است. در تصویر ۶ گاوی با یک شاخ دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که هنرمند آن دوره شاخ‌های گاو

را با دقت خاصی نقش می‌کرده است. در این کار از یک شیوه‌ی قراردادی استفاده می‌گردید که براساس آن سر گاو از نیمرخ و شاخ‌ها از روبه‌رو نشان داده می‌شد.

بی‌تردید مصر بر سرزمین‌های داخلی افریقا کم‌تأثیر نبوده است، اما دامنه‌ی محدودی داشته است. نکته‌ی آشکار این است که تمدن مربوط به دوران پیش از تاریخ صحرا مقدم بوده است.

این اعتقاد وجود دارد که هنر صخره‌ای دوره‌ی گوزن می‌بایست به اقوام مدیترانه‌ای منتسب شود. دوره‌ی «سرهای گرد» نیز به سیاهپوستانی گفته می‌شود که نژاد مختلطی را در آمیزش با اقوام خاور نزدیک به وجود آورده و اقوام باستانی مربوط به دوره‌ی نوسنگی را تشکیل دادند. هم‌چنین تأثیر سنت‌های گینه‌ای از مناطق جنوبی‌تر را در نقاط دورتر می‌توان از جمله در موریتانی مشاهده کرد. با این حال نباید فراموش کرد که این استدلال‌ها آن چنان محکم نیستند و به علاوه بر نظریه‌ی مربوط به حرکت موج اقوام خارجی به قاره‌ی افریقا قوت می‌دهند.

به هر حال هنر پیش از تاریخ افریقا زنده است و در قلمرو زیبایی‌شناسی منبع الهام برای هنر جدید افریقا است. امروزه رنگ‌های خاص این هنر در رنگ‌هایی که برای تزئین صورتک‌ها به کار می‌رود، دیده می‌شود. با اینکه میان این هنر و افریقاییان فاصله افتاده است اما می‌توان همان طور که شایسته‌ی این هنر است با ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی این هنر را از نو در زندگی مردم افریقا جاری کرد.

هنر پیش از تاریخ بر تمامی جنبه‌های زندگی انسان نخستین افریقا از محیط‌زیست طبیعی تا احساسات آنها مهر تأیید می‌زند و چون تصاویر نشانه‌ای است که گاهی از نیرویی برابر خط برخوردار است. بنابراین هنر صخره‌ای افریقا نخستین کتاب تاریخ این قاره است و لازم می‌نماید که با منابع دیگری چون دیرین‌شناسی، اقلیم‌شناسی، باستان‌شناسی، روایت شفاهی و... گواهی شود.

پانویست‌ها:

۱- ژوزف کی زربو Joseph Ki-zerbo از مردمان ولتای علیا که سال‌ها عضو شورای اجرایی یونسکو بوده است. در دانشگاه‌های فرانسه و کشورهای افریقایی تدریس کرده و استاد تاریخ دانشگاه «او آگادوگو» در ولتای علیا بوده است. هم‌چنین دبیر کل شورای آموزش عالی افریقا و ماداگاسکار و هم‌چنین عضو شورای اداری انستیتو بین‌المللی در طرح‌ریزی آموزش در یونسکو بوده است. از او علاوه بر مقالات متعدد کتاب‌هایی چون «جهان افریقای سیاه»، «تاریخ افریقای سیاه» به چاپ رسیده و مدیریت کتاب «تاریخ عمومی افریقا» را بر عهده داشته است.

۲- احمد هامپاته با: Hampate Ba از نویسندگان مالی که در فاصله‌ی سال‌های ۷۰ - ۱۹۶۲ عضو شورای اجرایی یونسکو بوده است. بنیان‌گذار و مدیر انستیتوی علوم انسانی «باماکو» در مالی بوده و آثار متعددی به چاپ رسانده است از جمله: امپراتوری پول در منطقه ماسینا، «مذاهب سنتی افریقا»، «سرنوشت عجیب وانگرن» که در سال ۱۹۴۷ برنده‌ی جایزه بزرگ ادبیات افریقای سیاه شد.